

هرزه‌نگاری دیده‌شدن با هر ابزاری



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

هیچ چیزی در جهان چنان نیست که نتوان با آن شوخی کرد یا آن را به بوته نقد نکشید؛ هیچ چیز، نکته مهم دیگر اینکه تاریخ ثابت کرده هر مواجهه‌ای از جنس سخت با سخن، اندیشه و طرز فکری، هم بلاهت درونش دارد، هم ردیلت؛ بلاهت دارد، چراکه بر خورد غیرمتوازن و غیرمتجانس با پدیده‌ای، منجر به قوت گرفتن آن پدیده در زمان خواهد شد. حتی اگر در لحظه متوهم شویم که آن فکر و سخن با درفش و محبس، تحدید و تهدید می‌شود.

با این همه، شوخی و طنز اگر بخواهد که هرزه و پلشت نشود، باید ادبی را رعایت کند. مورد اخیر سلبریتی شبکه‌های اجتماعی و به سخره گرفتن شاهنامه، اساساً نه طنز است و نه حتی کمدی.

حتی کمدی هم قصدی جز خود اجرا دارد. بهترین تعبیر برای چنین محتواهایی «هرزه‌گویی» و حتی نوعی «هرزه‌نگاری» است. در هرزه‌نگاری، سازنده نه خیر مخاطب را در نظر دارد و نه حتی قصدی جز بیشتر و بیشتر دیده‌شدن دارد. در هرزه‌نگاری فرم و منطق روایی کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. ازاین‌منظر هم صحبت‌های این اینفلوئنسر طعنه به هرزه‌نگاری می‌زند. محتوایش به هرزه‌گی افتاد، چون که نه آداب فرم را رعایت کرده بود و نه سخن هرزه‌اش تناسب فرمی با او داشت.

شوخی‌های جنسی این خانم در نگاه اول، حتی فارغ از محتوایش و اینکه طعن و تمسخر چه کسی است، به‌لحاظ فرمی در ذوق می‌زند. آن تیپ و آن هرزه‌گویی‌ها اصلاً با هم سازگار نیست.

شمایل و لباس در چنین کارهایی خود بخشی از اجراست. اینکه شمایل و لباس‌ها نشانه محافظه‌کاری در تن‌دادن به چارچوب‌های سنتی باشد و ازسوی دیگر، زبان چنان پرده‌دري کند که شمایل‌های هزاربار آوانگارتر از آن هم چنین نیستند، یعنی مجری از اساس دچار تناقض است. یعنی ما با یک مجری بی‌هویت طرف‌ایم، که اساساً کارش قاعده و اصولی ندارد جز یک اصل؛ جلب‌توجه با هر ابزاری.

اگر با این نکته همدل باشیم پس سطح توقع ما از سلبریتی شبکه‌های اجتماعی بسیار پایین می‌آید. اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی قرار نیست چارلی چاپلین باشند. ایشان را باید همانطور دید که «داوود هزینه» و «بهادر وحشی» را می‌بینیم. یکی برای دیده‌شدن بیشتر سیگار را در میکسر پر از رب گوجه و ماهی می‌ریزد و می‌خورد، یکی دیگر نگاه می‌کند کدام کتاب و شخص امروز مورد توجه جامعه قرار گرفته و با طعن و تمسخر آن، که طبیعتاً نه ساختار قدرت را آزرده‌خاطر می‌کند و نه هزینه‌ای برایش دارد، سعی می‌کند خود را در بیشترین حد توجه قرار دهد. از این بابت معلوم است که او کارش را خوب بلد است. در وضعیتی که هر روز هزاران محتوای پلشت به‌منظور دیده‌شدن تولید می‌شود، اینکه یک فیلم بحث یک شبکه‌های اجتماعی شود، یعنی نسبت به همنوعانش بیشتر موفق شده است؛ چراکه جز این نیتی نداشته است. چراکه اینجا موفقیت فقط یک چیز است؛ بیشتر و بیشتر دیده‌شدن. و کیست که نداند هر چه بیشتر دیده‌شدن برای اینفلوئنسرهای پول‌بیشتر.

ازاین‌منظر نباید کار اینان که چون کف دریا ساعتی می‌آیند و می‌روند را خیلی جدی گرفت. اما این وضعیت را چرا؛ این که انباشت این کف‌های دریا، بیننده را مجاب می‌کند که دریا همین کف‌هاست و عمقی ندارد.

اما راه مقابله با این هرزه‌گویی‌ها و هرزه‌نگاری‌ها داغ و درفش نیست. این برخورد‌ها هم روی دیگر همین هرزه‌نگاری‌هاست. آن هم وقتی که صداسویمای ما با آن دستگاه عریض و طویل‌اش و بودجه سر به‌فلک کشیده، نه اراده‌ای برای محتوایی دارد که بتواند خیر عمومی و منافع ملی را در نظر بگیرد و نه البته توان آن را دارد.

راه سلبی هرگز جواب نمی‌دهد. رویکرد سلبی به چنین محتواهایی فقط عطش جامعه برای دیدن آن را زیاد می‌کند. کار درست دغدغه‌داران فرهنگ، تولید بدیل‌هایی است که به لحاظ فرمی چنان جذاب باشد که بتواند از پس مقابله با محتواهای مبتذل برآید و به‌لحاظ محتوایی هم خیر عمومی و منافع ملی را در نظر گرفته باشد. خشونت و برخورد حنفی، فقط ابتذال را اعتبار می‌بخشد.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



پایان هرکول ایرانی

بررسی زندگی پرفرازونشیب رضا سوخته‌سرایی اسطوره کشتی ایران



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

رخت سیاه بر کشتی ایران عبارتی است که طی یکی، دو روز اخیر شنیده‌ایم. درگذشت امامعلی حبیبی، اتفاق بسیار تلخی بود که دو روز پیش رخ داد و حالا روز گذشته رضا سوخته‌سرایی، دیگر اسطوره کشتی ایران و جهان، در سن ۷۵ سالگی درگذشت تا ورزش کشتی ایران و علاقه‌مندان به آن غمی تازه را تجربه کنند. سوخته‌سرایی از معدود کشتی‌گیرانی بود که هم در کشتی آزاد، هم در کشتی فرنگی روی تشک می‌رفت و افتخارآفرینی می‌کرد. او در کشتی مدال‌های بسیاری کسب کرد، سه دوره در بازی‌های آسیایی پرچمدار ایران بود اما در سال‌های پایانی عمر عملاً کسی او را به یاد نداشت. درگذشت سوخته‌سرایی، زندگی و کارنامه ورزشی پربرای این کشتی‌گیر حرفه‌ای کشورمان را که دیگر در میان‌مان نیست، بررسی می‌کنیم.

گلستانی‌اصیل

بسیاری از کشتی‌گیران ایرانی از خطه‌ی جویبار می‌آیند. یکی از دلایلی که لقب پلنگ جویبار را به کشتی‌گیران می‌دهند، همین موضوع است. جویباری که باشی، نیمی از راه کشتی را طی کرده‌ای اما سوخته‌سرایی بر خلاف آن دوران از گلستان آمد. از روستایی در علی‌آباد کتول به‌اسم روستای دارکلاته یا همون محله‌ی سوخته‌سرا. او از همان ابتدا توسط مربیان ورزش به‌سمت کشتی سوق داده شد و توصیه هم شده بود که حتماً وارد رشته کشتی شود. مرحوم سوخته‌سرایی در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که یکی از مربیان ورزش به او گفته بود، حتی اگر ممکن است تحصیل را رها کنی، این کار را بکن ولی کشتی را به‌صورت حرفه‌ای آغاز کن. یکی از نخستین راهنمایان ورزشی‌اش منوچهر شمشیری، افسر نیروی زمینی و قهرمان کشتی خراسان و آسیا بود که استعداد این نوجوان شمالی را دید و پرورش داد.

آغاز مسیر قهرمانی

تلاش و پشتکار سوخته‌سرایی باعث شد تا به‌سرعت لباس تیم ملی را بر تن کند و در اردوهای تیم ملی با دیگر کشتی‌گیران برای افتخارآفرینی هم‌قسم شود. البته شاید خودش فکرش را نمی‌کرد که در برخی مقاطع بدنشانی گریبان‌ش را بگیرد. او با قدرت بدنی بالا، تکنیک مناسب و پیشکار مثال‌زدنی به یکی از مدعیان وزن‌های سنگین تبدیل شد. از همان آغاز، وجه تمایز او، جسارت‌اش در حضور هم‌زمان در دو سبک کشتی آزاد و کشتی فرنگی بود؛ کاری که کمتر ورزشکاری جرأت آن را داشت. این دوگانگی در کارنامه ورزشی‌اش بعدها به یک رکورد منحصربه‌فرد تبدیل شد؛ چراکه او در سطح قهرمانی آسیا، هم در آزاد، هم در فرنگی مدال کسب کرد، چیزی که تنها معدودی در تاریخ کشتی جهان تجربه کرده‌اند.

افتخارات جهانی

رضا سوخته‌سرایی نه‌فقط مدال‌آور کاروان ایران که در سه دوره پرچمدار ایران در مسابقات آسیایی بود که از همین حیث هم او همچنان رکورددار است. او، هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب برای ایران مدال‌آوری کرد و از ورزشکاران مهم ایران در مسابقات بین‌المللی بود، همچنین در مسابقات قهرمانی جهان در دو نوبت به مدال نقره دست یافت. این دو مدال جهانی، جایگاه او را در ردیف بزرگان کشتی ایران تثبیت کرد. بسیاری از کارشناسان معتقد بودند، اگر شرایط سیاسی و محدودیت‌های آن سال‌ها نبود، سوخته‌سرایی می‌توانست در المپیک‌ها نیز بدرخشد و مدال‌های بیشتری برای ایران به ارمغان آورد. قدرت اصلی سوخته‌سرایی در مسابقات آسیایی نمایان شد، جایی که او بارها قهرمان شد و عنوان پهلوانی ایران را با غرور حفظ کرد. کارنامه او در بازی‌های آسیایی چنین است؛ سه طلای آسیایی و یک نقره در کارنامه‌اش، او را به یکی از پرافتخارترین کشتی‌گیران سنگین‌وزن ایران

تبدیل کرد. نکته جالب در مورد سوخته‌سرایی این بود که در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ ستول، برای اینکه هم‌تیمی‌اش علیرضا سلیمانی در کشتی آزاد تیم ملی جا بگیرد، او با منش پهلوانی‌اش تصمیم گرفت در کشتی فرنگی مبارزه کند. نتیجه چه شد؟ هر دو کشتی‌گیر، قهرمان شدند و ایران در هر دو سبک سنگین‌وزن صاحب مدال طلا شد. این حرکت انتهاها یک تصمیم ورزشی، بلکه جلوه‌ای از اخلاق پهلوانی و روحیه تیمی او بود.

محروریت‌ناخواسته

با وجود همه موفقیت‌ها، بخت با سوخته‌سرایی در مورد حضور در المپیک یار نبود. او به‌دلیل تحریم‌ها و شرایط سیاسی از حضور در المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس محروم ماند. همچنین در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۳، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ نیز به‌دلیل مختلف امکان حضور در قهرمانی‌های جهان را پیدا نکرد. این محدودیت‌ها سبب شد، آن‌طور که باید در سطح جهانی شناخته‌نشود. اما در ایران و آسیا، همه می‌دانستند که او یکی از بهترین سنگین‌وزن‌های تاریخ است. شاید اگر سوخته‌سرایی در زمان دیگری از تاریخ متولد شد بود، رکورددار کسب مدال در تاریخ کشتی دنیا شده بود.

پهلوانی فرا‌تر از مدال

رضا سوخته‌سرایی فقط یک قهرمان روی تشک نبود؛ او در بیرون از میدان هم چهره‌ای دوست‌داشتنی و متین داشت. بارها به‌عنوان پهلوان پایتخت انتخاب شد و اخلاق جوانمردانه‌اش زبان‌زد اهالی ورزش بود. بسیاری از هم‌سلان‌اش او را مردی بی‌حاشیه، صبور و متواضع توصیف می‌کنند. تنها کشتی‌گیر ایرانی که هم‌زمان در کشتی آزاد و کشتی فرنگی مدال آفرین بوده، رضا سوخته‌سرایی است. او این کار را کرد و به فرنگی رفت تا علاوه بر کسب افتخار توسط دوست صمیمی‌اش، مدال کاروان ایران نیز افزایش پیدا کند. زندگی او در سال‌های پایانی آرام و به دور از هیاهو می‌گذشت. اما خبر درگذشت‌اش در صبحگاه سوم شهریورماه ۱۴۰۴، هم‌زمان با روزهای سوگ کشتی ایران به‌خاطر فوت امامعلی حبیبی، جامعه ورزش را دوباره در اندوه فرو برد. اینکه دو اسطوره بزرگ در فاصله یک‌روز چشم از جهان بستند، حادثه‌ای تلخ در تاریخ ورزش ایران خواهد بود.

میراث ابدی

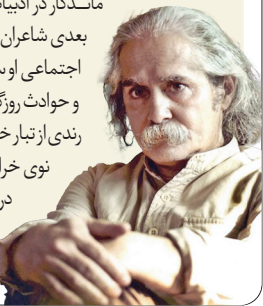
رضا سوخته‌سرایی در تاریخ ورزش ایران به‌عنوان مردی ثبت شده است که هم در کشتی آزاد، هم در کشتی فرنگی قهرمان شد. مرحوم سوخته‌سرایی با مدال‌های طلای آسیایی و نقره‌های جهانی، نام ایران را بر سر زبان‌ها انداخت. سوخته‌سرایی بارها توسط نهادهای ارگان‌های مختلف از جناح‌های متفاوت، دعوت به همراهی یا حضور شد اما او خودش را درگیر سیاست نکرد. او بخشی از نسلی بود که کشتی ایران را به قله‌های افتخار رساندند. نسلی که نام‌هایی چون امامعلی حبیبی، علیرضا سلیمانی، عبدالله موحد و منصور بزرگ را در خود جای داده بود. اگر چه از حضور در المپیک محروم شد و شاید آن‌طور که شایسته‌اش بود در سطح جهانی شناخته‌نشد، اما در حافظه جمعی ورزش ایران برای همیشه جاودانه خواهد بود. نسل بعد کشتی اگر به حافظه تاریخی این رشته کهن توجه کند، به نام‌هایی چون سوخته‌سرایی، امامعلی حبیبی، غلامرضا تختی، منصور بزرگ و... برمی‌خورد که در کنار عناوین قهرمانی به انسانیت هم توجه ویژه‌ای داشتند.

سوخته‌سرایی کاپیتان و باتجربه‌ترین کشتی‌گیر تیم ملی در دهه ۱۹۸۰ و پرچمدار کاروان ورزشی ایران در سه‌دوره بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بود که در هر سه‌دوره نیز به مدال طلا رسید. یکی از خصوصیات مرحوم سوخته‌سرایی که کشتی‌گیران با علم به چنین خصوصیتی نمی‌توانستند مانع از اجرای فن‌علیه‌اوشوند، زیرگیری‌های ویران‌کننده‌اش بود که تقریباً هیچ کشتی‌گیری توان مقابله با آن را نداشت. یادگاری از سوخته‌سرایی؛ تغییر رشته از آزاد به فرنگی به‌پهنا به رفاقت با مرحوم سلیمانی، مدال‌های پیاپی او در بازی‌های آسیایی و پرچمداری‌اش در این رقابت‌های مهم است.

چهره

رندی از تبار خیام

امروز سال‌مرگ مهدی اخوان‌ثالث متخلص به م. امید، از اثرگذارترین شاعران معاصر ایران و به‌قول نادر نادرپور سرچشمه زلال شعر امروز است؛ شاعری که با تکیه‌بر میراث کهن خراسانی و آمیختن‌اش با شیوه‌نیمایی، صدایی یگانه در شعر فارسی آفرید. اخوان در ۱۰ اسفندماه سال ۱۳۰۶ در مشهدزاده شد و از نوجوانی به هنر و موسیقی گرایش داشت؛ تار می‌نواخت و هم‌زمان در شعر کلاسیک و نو توانایی یافت. پس از پایان تحصیلات‌اش به تهران آمد و آموزشگری کرد و بعد هم در کتابخانه ملی مشغول شد. زندگی شخصی‌اش با رنج‌های بسیار همراه بود؛ از دست دادن دو دخترش برانده درونی‌اش افزود. مهدی اخوان‌ثالث، شاعری نوگرا بود که با تلفیق سنت و نوآوری، آثاری ارزشمند خلق کرد. او ۱۰ مجموعه شعر داشت که از میان آنها «روستان»، «آخر شاهنامه» و «ارغنون» همچون پژواکی ماندگار در ادبیات ایران باقی مانده و الهام‌بخش نسل‌های بعدی شاعران است. لحن حماسی، ترکیبات تازه و نگاه اجتماعی او سبب شد تا آثارش بازتابی از رنج‌ها، امیدها و حوادث روزگار باشد. تا آنجا که هوشنگ گلشیری او را رندی از تبار خیام‌نمید و اسماعیل خویی او را دبستان شعر نوی خراسانی خطاب می‌کرد. اخوان، سال ۱۳۶۹ در تهران و بر اثر سکته قلبی درگذشت و در کنار آرامگاه فردوسی به خاک سپرده شد.



کتابخانه

روایت واقعیت‌هایی از تجربه

«سوگ سودابه» نوشته امیرحسین مصلی شامل ۱۳ داستان کوتاه است درباره چالش‌های اخلاقی و روانی انسان معاصر در مواجهه با دیگری که از نسوی انتشارات گیوا راهی بازار کتاب شده است. داستان‌های این مجموعه در بستر سیاسی، اجتماعی ایران شکل گرفته‌اند و با رویکردی انتقادی، تجربه‌های فردی و جمعی را با زتاب می‌دهند؛ روایت‌هایی که میان واقعیت روزمره و لایه‌های پنهان شخصیت‌ها در نوسان‌اند و مخاطب را با ساختار شکنی در فرم قصه‌گویی، درگیر موقعیت‌های وجودی انسان می‌کند. در پشت جلد این کتاب آمده است:



نام کتاب:

سوگ سودابه

نویسنده:

امیر حسین مصلی

نشر: گیوا

«چطور ممکن است اتفاقی در جهان داستان بیفتد و من از آن بی‌خبر بمانم؟ شک ندارم دست ساختار شکنان در کار است. از همان روز نخست هم با دانایی کلِ بودنم مشکل داشتند. احترام به شعور مخاطب، بهانه است؛ آن‌ها به‌مطلق بودنم حسادت می‌کنند!» «سوگ سودابه»، سومین اثر این نویسنده و روزنامه‌نگار است که پیش‌تر کتاب «او این حرمان مانایی ندارد» و نمایشنامه «اقامت اجباری» از او منتشر شده بود. طراحی جلد این کتاب را ترگس موسوی انجام داده است. این مجموعه داستان با تیراژ هزار نسخه و قیمت ۱۶۹ هزار تومان به چاپ رسیده است.

تاریخ

جنگ ملازگرد



جنگ ملازگرد نبردی میان نیروهای امپراتوری سلجوقی، به فرماندهی آلپ‌ارسلان و نیروهای امپراتوری بیزانس، به فرماندهی رومانوس دیوژن بود که در ۲۶ اوت سال ۱۰۷۱ میلادی در ملازگرد (بخشی از

کشور ترکیه کنونی) رخ داد و با پیروزی قاطع سلجوقیان، راه را برای ورود ترکان به آسیای صغیر، ترکی‌سازی آناتولی و تشکیل دولت سلجوقیان روم باز کرد. واکنش امپراتوری بیزانس در برابر این شکست قاطع که با اسارت تحقیرآمیز امپراتور نیز همراه بود، نخست تسلیم، سپس دعوت از مسیحیان اروپای غربی برای کمک بود که بعدتر به جنگ‌های صلیبی انجامید. لشکر بیزانسی البته در تعداد نفارت برتر بود، اما ناهمگونی ارتش و خیانت‌های برخی از سران سپاه در کنار تاکتیک‌های جنگی موثر سلاجقه، باعث هزیمت ارتش بیزانس شد. آلپ‌ارسلان، امپراتور را عفو کرد و با او قرارداد صلحی به امضاء رساند اما با عملی‌نشدن قرارداد، حملات از سر گرفته شد و بدین‌ترتیب در زمانی کوتاه منطقه آناتولی از کنترل امپراتوری بیزانس خارج شد. بدین‌ترتیب خطر بیزانس برای خلافت عباسی و امپراتوری سلجوقی، رفع شد و زمینه‌ای برای تشکیل دولت عثمانی در قرن‌های بعدی نیز ایجاد شد.